

ارزیابی عملکرد براساس فرهنگ دینی

دکتر سیدرضا صالحی امیری* و الهه حیدری زاده**

مقدمه

تأکید در مورد اهتمام به ارتقای فرهنگ جامعه و داشتن دغدغه اوضاع و کیفیت فرهنگی آن، با توجه به دیدگاه اسلام در این باره، تأثیر تعیین کننده‌ای بر مسائل فرهنگی حال و آینده جامعه می‌گذارد.

مشکل آشنا شدن با مفهوم فرهنگ از همان قدم اول یعنی دسته‌بندی و انتخاب تعاریف گذشته آغاز می‌شود، تنها رده‌بندی انواع این تعاریف تشریحی، ساختاری، تکوینی و ... موجب تدوین کتاب‌های متعدد شده است (آشوری، ۱۳۵۷: ۶۸).

فرهنگ در زمینه هدف‌داری، درست مانند روح در حرکت هدف‌دار است. حقیقت اینکه فرهنگ هر جامعه، روشن‌گر روح آن جامعه است و نموده‌ها و فعالیت‌های فرهنگی به‌منزله پدیده‌ها و رفتارهایی است که روح از خود بروز می‌دهد (مطهری، ۱۳۷۵: ۳۱۷).

در حکومت اسلامی فرهنگ یک مقوله بنیادی و زیربنایی است. از این رو نمی‌توان نظریه‌هایی را که در مورد فرهنگ در جوامع غربی بیان می‌شود مبنای عمل در حکومت اسلامی قرار داد، بلکه مفروضات حکومت دینی مبتنی بر کتاب، سنت و سیره است.

نظر به اینکه فرهنگ دینی مبتنی بر سنت سیره نبوی (ص) و ائمه اطهار (ع) از گذشته

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران؛

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران؛

تاکنون عامل هویت بخشی جامعه ایرانی - اسلامی بوده، لازم است دائم این فرهنگ رصد شود و با شناخت روندهای موجود، کاستی‌ها و فرایندهای شکل‌گیری و نمودهای عملی رفتاری، زمینه توسعه فرهنگ دینی فراهم گردد (ناظمی، ۱۳۸۴).

از طرفی مسئله‌ای که توجه متولیان و مدیران فرهنگی جوامع را به خود معطوف ساخته، بحث دین و دین‌داری در جامعه است. این توجه، در جامعه ما که جامعه‌ای دینی محسوب می‌شود، بسیار بیشتر از سایر جوامع است. از دیدگاه دانش جامعه‌شناسی، دین نهادی اجتماعی است که با دیگر نهادها ارتباط متقابل دارد و از نظر فرهنگی، دین بخشی از فرهنگ هر جامعه است که در قالب الگوهای مختلف دین‌داری از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود.

گفتنی است نظر به اینکه کشور ما با داشتن سازمان‌های فرهنگی دینی قوی و عظیم باید دارای بنیان‌های فرهنگ دینی عمیق بوده و زمینه‌ساز ترویج این نوع فرهنگ در دیگر کشورها باشد تا به مقوله ارزیابی عملکرد با رویکرد دینی به صورت جدی و موشکافانه پرداخته شود و از این رهگذر راهبردهای حوزه فرهنگ دینی و به تبع برنامه‌های توسعه و ترویج آن را فراهم آورد. تعیین معنا و قلمرو دین و فرهنگ و خاستگاه پیدایش این دو، از مهم‌ترین مباحثی است که به کشف رابطه دین و فرهنگ یاری می‌رساند.

با فرض برابری دین و فرهنگ، دین در همه انواع و اقسام فرهنگ دخالت می‌کند و دین‌داران فرهنگ را همان دین می‌شناسند و حکومت دینی را ناگزیر از دخالت در فرهنگ می‌دانند.

با فرض رودررویی دین و فرهنگ به اینکه مثلاً ماهیت دین متفاوت از ماهیت فرهنگ باشد یا قلمرو دین تنها امور اخروی باشد و قلمرو فرهنگ امور دنیوی؛ دین در فرهنگ هیچ‌گونه دخالتی نخواهد کرد و اگر نسبت دین و فرهنگ عام و خاص باشد، در این صورت آنان که چنین نسبتی میان دین و فرهنگ می‌بینند، تنها در همان قسمت مشترک، به دین حق دخالت در فرهنگ می‌دهند (بهرامی، ۱۳۸۸: ۱).

سؤال اصلی این است که چگونه می‌توان با رویکرد دینی به ارزیابی عملکرد سازمان

در سطح خرد پرداخت؟ در این مقاله با بهره‌گیری از مدل‌های ادگار شاین، گلاک و استارک و دی جانگ و همکارانش ارزیابی سازمان در سه سطح مصنوعات، ارزش‌ها و مفروضات بنیادی مطرح می‌شود.

۱ حوزه‌های مختلف فرهنگ

با توجه به تعریف خاص از فرهنگ در این تحقیق، می‌توان حوزه‌های معنایی متفاوتی برای آن در نظر گرفت:

- **حوزه فرهنگ دینی:** منظور اندیشه‌ها، احساسات و رفتارهایی که ریشه در اعتقادات و باورهای دینی افراد دارد.

- **حوزه فرهنگ عمومی:** منظور رفتارها و بازتاب عملی اندیشه‌ها و احساساتی است که اکثریت افراد جامعه در ارتباطات اجتماعی از خود نشان می‌دهند.

- **حوزه فرهنگ سیاسی:** منظور اندیشه‌ها، تمایلات و رفتارهایی است که افراد در عرصه مشارکت‌های اجتماعی و اداره جامعه و شکل‌گیری حاکمیت از خود بروز می‌دهند.

- **حوزه فرهنگ اقتصادی:** منظور اندیشه‌ها، تمایلات و رفتارهایی است که افراد در مناسبات اقتصادی از خود نشان می‌دهند (شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۲: ۴۸ - ۴۰).

۲ نسبت دین و فرهنگ

- **دین محصول فرهنگ:** دین محصول فرهنگ جامعه و فرهنگ مولود تحولات اجتماعی است. بنابراین دین یکی از نهادهای زیرمجموعه فرهنگ است. دورکیم و هافستد از حامیان این نظریه‌اند.

- **دین از عوامل فرهنگ‌ساز:** رویکرد دوم، دین و فرهنگ را هم‌عرض می‌داند که با یکدیگر در تعامل‌اند. براساس این نظریه، فرهنگ از اجزای مختلفی تشکیل شده که دین از آن اجزاست. آداب، رسوم، رفتارها، نهادها، ارزش‌ها، هنر، خط، زبان و عواملی از این

دست، روی هم، فرهنگ هر کشور را رقم می‌زنند. این نظریه برای دین عرصه‌ای فراتر از محدوده اخروی و فردی قائل نیست.

- **دین منشأ فرهنگ‌سازی:** در این نظریه دین ابزار سرپرستی بشر در همه شئون فردی، اجتماعی و تاریخی است. مقاله حاضر در نسبت دین و فرهنگ نیز این نظریه را برمی‌گزیند. بدین ترتیب مهندسی فرهنگی جامعه مبتنی بر این تفکر عبارت است از دریافت راه‌های بهره‌گیری از اصول و ارزش‌های اسلامی و تجلی آنها در حیات جامعه بشری در زمان و مکان‌های متفاوت و با ابزار و روش‌های مختلف (پیروزمند، ۱۳۸۵).

۳ تأثیرگذاری دین در سطوح فرهنگ

براساس پژوهش‌های به‌عمل آمده در نسبت دین و فرهنگ نظریه دین منشأ فرهنگ‌سازی در جامعه اسلامی - ایرانی ارجحیت دارد. حال می‌توان چگونگی تأثیرگذاری دین در مهندسی فرهنگی کشور را بیان کرد. ابتدا باید گفت فرهنگ دارای سه سطح است:

۱. **فرهنگ عمومی:** فرهنگ عمومی به معنای مجموعه نیازهای فرهنگی است که عموم جامعه با آن روبه‌رو بوده و مبتلا به آن می‌باشند.

۲. **فرهنگ تخصصی:** عبارت است از آن دسته پذیرش‌های اجتماعی که تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان آن افراد محدودی از جامعه هستند که سطح تحصیلات بالاتری دارند.

۳. **فرهنگ بنیادی:** عبارت است از مفاهیمی که نسبت به فرهنگ عمومی و به‌ویژه فرهنگ تخصصی از عمق بیشتری برخوردار بوده و پایه و مبنای فرهنگ تخصصی محسوب می‌شود. این فرهنگ مجموعه اموری است که امکان تحول و بالندگی در فرهنگ تخصصی را فراهم می‌کند. به‌عنوان مثال فلسفه‌ها و روش‌ها از جمله مصادیق فرهنگ بنیادی است (همان).

دین در هر سه سطح فرهنگ تأثیر دارد. مروری بر عناوین روایات وارد شده تأثیر و تعیین‌کنندگی بی‌بدیل معارف اسلامی بر عرصه فرهنگ عمومی را قطعی می‌سازد. در زمینه

تأثیر دین در فرهنگ تخصصی می‌توان به مباحث بسیاری که در حوزه علم گفته شده اشاره کرد. شکل عمیق‌تر ارتباط بین علم و دین را می‌توان در تأثیر مفهومی متقابل بین علم و به‌ویژه الهیات با دین جست‌وجو کرد. دین همچنین در فرهنگ بنیادی نیز تأثیر دارد، مباحث و مسائل مطرح درباره دین و فلسفه؛ دین و فلسفه اخلاق، با دین و روش‌سازی از جمله مصادیق این تأثیر است. با توجه به تعاریف آن سه سطح از فرهنگ، می‌توان ارتباط آنها را دریافت. فرهنگ بنیادی از فرهنگ تخصصی و فرهنگ تخصصی از فرهنگ عمومی تأثیرگذاری بیشتری دارد. مهندسی فرهنگی در صورتی انجام می‌گیرد که لایه‌های فرهنگ در نظمی هماهنگ و بر محوریت تعالیم اسلام به سر برد (همان).

۴ آثار محوریت دین در فرهنگ

توسعه فرهنگی به توسعه نهادها در بخش اندیشه، اخلاق و عمل اطلاق می‌شود و مهندسی فرهنگی نیز باید به چنین توسعه‌ای در فرهنگ منجر شود. توسعه فرهنگی از دیدگاه اسلام زمانی تحقق می‌یابد که تنوع و تکثر در مسائل یادشده همراه با انسجام با محور تکامل پرستش اتفاق افتد. دو امر، مانع تحولات فرهنگی در جامعه می‌شود: اول ثبات دین یا آموزه‌های دینی، دوم اهمیت و ارزش ماندگاری فرهنگی جمود و تحجر، خرافه‌گرایی در فرهنگ، روحیه تقلید و مصرف‌گرایی در فرهنگ، اضمحلال سرمایه‌های فرهنگی در جامعه و نبود زیرساخت فرهنگی مناسب، موانع اخذ توسعه فرهنگی است. نقش دین در برطرف کردن این محورها، کلیدی و اساسی است (همان).

از پیامدهای دیگر محوریت دین در فرهنگ‌سازی توجه به ارتباط دین و تمدن‌سازی مبتنی بر تعریفی است که از فرهنگ ارائه می‌شود. تعریفی که از تمدن داریم اینکه محیط زیست انسانی است و تمدن جنبه عینی و تجسمی فرهنگ است. در نتیجه ارتباطی که بین دین و فرهنگ می‌باشد بین دین و تمدن نیز پذیرفته می‌شود. بنابراین مهندسی فرهنگی کشور لزوماً باید به ساختن تمدن اسلامی منجر شود (همان).

۵ کارآمدی فرهنگ

به طور کلی می‌توان گفت که فرهنگ کارآمد، دارای هفت ویژگی اصلی است:

۱. نگاهی وسیع و فراگیر به تعالیم انسان‌ها با یکدیگر در سطح حیات مادی دارد. تعبیر تعامل به این دلیل است که فرهنگ، توجهی به تولید مواد زندگی که جنبه زیستی دارد نداشته، بلکه توجه آن به مرحله بعد از تولید و یا کیفیت تولید در تعامل با انسان‌های دیگر و محیط می‌باشد؛

۲. توجه به ضمیر ناپیدای انسان و سامان دادن به تعامل آن با دیگر انسان‌ها دارد؛

۳. تبلور فرهنگ در آداب و رسوم، عقاید و سنت‌ها و ظهور آن در ملیت خاص می‌باشد؛

۴. رضایت پایداری در میان افراد جامعه ایجاد می‌کند؛

۵. دارای ظرفیت و انعطاف قوی و وسیعی در برخورد با فرهنگ‌های بیگانه است تا

اوصاف آنها را در خود هضم کرده و ضمن بومی‌سازی آنها، از خود انفعال نشان ندهد؛

۶. دارای توانایی سریع و فوری در پاسخ‌گویی به نیازهای جدید در حرکت رو به

رشد جوامع بشر می‌باشد؛

۷. فرهنگ‌ها با واقعیات و حقایق قائل اثبات تطابق دارند (جعفری، ۱۳۶۲: ۱۱۶).

فرهنگ کارآمد در عین پویایی و توانایی باید پاسخ‌گوی نیازهای جامعه نیز باشد. عموماً نیازهای انسان را می‌توان در دو بعد معنوی و مادی گروه‌بندی کرد، زیرا انسان به همان اندازه که موجودی مادی است، موجودی معنوی است از این رو، نیازهای او را در سه گروه مهم می‌توان بیان کرد: نیازهای عقلانی شامل: الهیات، فلسفه، منطق، ریاضی محض، تجربیات حسی منتج به کشفیات علمی قانونمندان و به طور کلی هرگونه تفکر و سنجش بر معیارهای عقلانی مسائل انسانی (Pandian, 1991: 2) نیازهای روحی و عاطفی شامل: امور احساسی و عاطفی، همچون عشق و پرستش، عرفان و شهود، هنر و ذوق، تعالی اخلاقی، مقبولیت اجتماعی، خلاقیت‌ها و ابداع‌ها و الهام‌گیری‌ها و ... این قبیل مسائل، در نگاه اول به نظر می‌رسد، فاقد توضیح عقلانی (عقل‌افزاری) و جنبه کارکردگرایانه، کاربردی و مفید است.

۵-۱ کارآمدی فرهنگ اسلامی

۵-۱-۱ فرهنگ از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

بی تردید امام خمینی (ره) با درک عمیق از روابط حاکم بر اندیشه جهان معاصر و با تعمق و تأمل به نقش فرهنگ در سازندگی فرد و اجتماع، علل سقوط و هبوط فرزندان آدم از آسمان معنویت را نادیده انگاشتن تأثیر فرهنگ در دگرگونی نهادهای اجتماعی، اندیشه‌ها و تفکرات، روحیات و دیگر مناسبات انسانی می‌دانست و خود با همه توان در به وجود آوردن فضایی فرهنگی با تکیه بر ارزش‌های الهی و انسانی منبعث از روح معنویات کتاب و سنت پای می‌فشرد.

امام راحل (ره) درباره فرهنگ و تأثیر وجودی و جوهری آن در زندگی انسان‌ها می‌فرماید: «فرهنگ یک کارخانه آدم‌سازی است، چنانچه انبیا هم برای همین معنا آمدند که آدم درست کنند» (صحیفه نور، ج ۶: ۲۳۶)، «بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد و با انحراف فرهنگ هر چند جامعه در بعدهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی و نظامی قدرتمند و قوی باشد ولی پوچ و پوک و میان‌تهی است. اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتز از فرهنگ مخالف باشد، ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود و موجودیت خود را در تمامی ابعاد از دست می‌دهد»، «رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است (همان: ۱۶۰)»، «برنامه‌های فرهنگی تحول لازم دارد، فرهنگ باید متحول بشود»، (همان: ۲۵۲) «تربیت یک ملت به این است که فرهنگ آن ملت صحیح بشود».

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در نگرشی عمیق به فرهنگ که باید در اولویت نخست همه امور جامعه قرار گیرد می‌گوید «عبارت از ذهنیات و اندیشه‌ها و ایمان‌ها و باورها و سنت‌ها و آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی است، که از این جهات، ما نه فقط از دنیای پیشرفته در علم و تکنولوژی، عقب نیستیم، بلکه در بسیاری از جهات از

آنها جلوتر هم هستیم» (مقام معظم رهبری، ۲۸/۹/۸۱: ۳۸۸).

استاد مطهری فیلسوف و متفکر عالیقدر جهان اسلام در ایفای فعالیت‌های فرهنگی در کشور جایگاه بس والایی داشت چرا که تمام هم‌وغم ایشان برای اصلاح و تحول ساختار فرهنگی جامعه گذشته صورت می‌گرفت و توفیق وی در مبارزه فرهنگی اولاً، ریشه‌ای بودن مبارزه و ثانیاً، ارائه راه‌حل بود و مبارزه استاد مطهری با تمام مظاهر انحراف قبل از آنکه لهجه سیاسی داشته باشد ماهیت فرهنگی داشت (باقی نصرآبادی، ۱۳۸۰: ۶۴).

بنابراین فرهنگ یکی از والاترین ارزش‌های انسانی است که هر اندازه معنوی‌تر و عالی‌تر باشد، انسانی‌تر است. در نتیجه با توجه به مشهورترین تعاریفی که از جوامع متمدن دنیا به دست آمده و تحقیق شده است در مفهوم فرهنگ دو واژه بایستگی و شایستگی مستند به عقل سلیم و احساسات پاک مردم وجود دارد.

بنابراین اگر در جامعه، شماری از پدیده‌ها به نام فرهنگ نامیده شود ولی از تعقل سلیم و احساسات عالی انسانیت برخوردار نباشد نمی‌توان آن پدیده‌ها را، فرهنگ تلقی کرد. فرهنگ کلمه‌ای حامل ارزش والاست، در نتیجه کسانی که به پدیده‌های شهرت‌پرستی، پول‌پرستی، لذت‌گرایی، خودخواهی عنان‌گسیختگی جامعه، فرهنگ اطلاق می‌کنند درحقیقت خیانت بزرگی به بزرگ‌ترین ارزش‌های انسانی کرده‌اند (همان).

۲-۱-۵ فرهنگ در قرآن

در بحث قسمت‌ها و اجزای وجودی خلقت فرهنگ از دیدگاه قرآن باید گفت آنگاه که خالق هستی به بنده مخلوق خویش فکر و یاد فکر (اندیشیدن) را اعطا می‌کند، یعنی فرهنگ (حدید: ۲۷؛ بقره: ۱۴۶ و ۲۴۲). آنگاه که خالق کریم توان نام‌گذاری تمام پدیده‌ها را به آدم می‌بخشد، یعنی فرهنگ (بقره: ۳۱). و آن دم که به انسان نیروی تأمل در فکر را می‌دهد و به نور عقل محض خویش، روح تعقل را به آدم عنایت می‌کند، یعنی فرهنگ (بقره: ۱۶۵، النحل: ۱۲ و ۶۷).

در قرآن روشن و واضح، به ریشه‌ها و شالوده‌های فرهنگ‌شناسی، توجه و اشاره آموزشی و پرورشی شده است. تا آنجا که خداوند به آن اصول و قواعد دیگری را اضافه کند: از جمله آنکه توصیه‌های فراوانی در سوره‌ها و آیات متعدد می‌فرماید که انسان در جست‌وجوی معنی و حقیقت فرهنگ علمی می‌باید به سوی تجربه پدیده‌های عینی به پیش رود و در این راه آن‌چنان به رشد، بلوغ و کمال برسد که جدپرست، نیاکان‌پرست و تاریخ‌پرست نباشد و خود را دستاویز سنت‌های مرده و جمود فکری و فرهنگی اغیار نکند و خارج از هرگونه تقلید کورکورانه، مانند انسانی دانا و راهنمایی شده، بیاندیشد و آنچه می‌طلبد، بشناسد.

۳-۱-۵ ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی در قرآن

از نظر قرآن عوامل متعددی آسیب‌پذیری یک جامعه را در حوزه ارزش‌های فرهنگی و نیز شخصیت و اصالت‌های اجتماعی رقم می‌زند. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

۱. **تزلزل در مبانی اعتقادی جامعه:** مهم‌ترین آفت شرک همان استحاله فرهنگی و به عبارتی بی‌هویتی و مسخ انسانی است. قرآن انسان مشرک را همچون موجودی معلق در فضا تصور می‌کند که یا طعمه عقابی تیزچنگ می‌شود یا تندباد حوادث او را به نقطه‌ای دوردست پرتاب می‌کند.

۲. **تزلزل در مبانی اخلاقی جامعه:** از نظر جهان‌بینی اسلامی، ارزش‌های اخلاقی را خداوند وضع کرده و در نتیجه جاودانی هستند. در عین حال برای این ارزش‌ها می‌توان ریشه‌هایی نیز در فطرت انسان جست‌وجو کرد. این ریشه‌ها میان همه افراد بشر مشترک است. مطلق بودن ارزش‌های اخلاقی در جهان‌بینی اسلامی تا آنجاست که از نظر قرآن اجرای عدالت و مراقبت بر آن، بر حفظ جان و مال انسان و پدر و مادر و دیگر بستگان او ارجحیت دارد.

۳. **خودباختگی انسان و گرایش به بیگانگان:** هر انسانی و به تبع آن هر جامعه‌ای که بتواند به شناخت و نگهداری شخصیت انسانی خود نائل شود، بدون تردید می‌تواند در برابر امواج توفندهایی که وی را تهدید می‌کند مقاومت کند. با از دست رفتن این شخصیت،

جایگزینی خودهای کاذب اجتناب‌ناپذیر می‌شود. از نظر قرآن هیچ خسارتی بالاتر از باختن و ازدست‌دادن شخصیت انسانی نیست؛ زیرا ازدست‌دادن این شخصیت ضایعات بزرگ‌تری در مسیر سقوط فرهنگ و تمدن انسانی به دنبال دارد و با تبیین عناصر مؤثر بر فرهنگ در قالب‌های: الف) جهان‌بینی، ب) ارزش‌ها، ج) گرایش‌ها، د) کنش‌ها، ه) نمادها، و) تکنولوژی و ز) هنجار؛ به تعیین و بررسی اجزای این عناصر پرداخت. هدف این است که از بررسی فرهنگ با عنایت به ارتباط آن با عوامل غیرفرهنگی، در نهایت بتوان به درک مشترکی از عناصر مقوم هویت دینی - ملی نائل شد. در تعیین اجزای برای هر یک از عناصر شش‌گانه فوق، به تعریف و ذکر مصادیق اشاره می‌شود.

الف) جهان‌بینی: به مواردی اطلاق می‌شود که از نوع فکر است. عقاید، باورها، بینش‌ها، ایدئولوژی‌ها، اسطوره‌ها، خرافات، عقاید قالبی مصادیق جهان‌بینی است.

ب) ارزش‌ها: ارزیابی مطلوبیت، شایستگی یا درست بودن نسبی موضوعات، ایده‌ها، اعمال، احساسات یا حوادث مختلف جزء ارزش‌ها محسوب می‌شود. به عبارتی، ارزش‌ها از نوع داوری است و جهت تمایلات ما را بیان می‌کند. مانند:

۱. ارزیابی مردم نسبت به آزادی، مساوات، مدارا، حقیقت‌طلبی، احترام به بزرگ‌تر، محبت به کوچک‌تر، مهمان‌نوازی، قناعت، کمک به هم‌نوع، اخلاقیات، احترام به قانون، رعایت حقوق والدین، حفظ اساس زندگی خانوادگی، وقت‌شناسی، مطالعه، اعتدال و میانه‌روی، اولویت دادن دیگران به خود، تجربه‌اندوزی از گذشته، حفظ سنت‌ها در عین توجه به امور جدید و ...

۲. ارزیابی مردم نسبت به استبداد رأی و خودکامگی، ظلم و جهل و بی‌سوادی، قضا و قدراندیشی، خوش‌گذرانی، تنبلی، خودخواهی، تظاهر به فقر، ریا، تملق، دورویی، افراط و تفریط، اسراف و تبذیر، خرافات، قانون‌گریزی، سست شدن جایگاه خانواده، غلبه احساسات بر عقلانیت، اولویت دادن منافع شخصی و جناحی بر مصالح ملی، شایعه‌سازی، نبود وجدان کاری و انضباط اداری.

ج) گرایش‌ها: گرایش‌ها از نوع آمادگی برای عمل و در واقع همان تمایلات اکتسابی است.

د) کنش‌ها: همان قالب عمل است.

ه) نمادها: نماد نوعی نشانه است که برای انتقال معنا به کار می‌رود. در واقع نماد تلخیص و

شکل موجزی از عقاید بنیادین و سطوح عمیق در مورد شیوه‌های زندگی، خوب و بد و ...

است. اهمیت نماد در این است که یک معنا ندارد و بسته به گیرندگان پیام، معنای متفاوتی

می‌یابد به عبارتی محدودیتی در تفسیر نمادها وجود ندارد.

و) تکنولوژی: که عبارت است از:

۱. تکنولوژی مادی: معرفت ساخت و به کارگیری اشیاء،

۲. تکنولوژی اجتماعی: که همان سازمان‌دهی و مدیریت است.

ز) هنجار: هنجار یک قاعده رفتاری است که مشخص می‌کند مردم در شرایط معین چگونه

رفتاری باید داشته باشند. هنجارهای اجتماعی، باید و نبایدهایی است که به انسان می‌گوید

چه کاری را انجام دهد و یا چه رفتاری را در پیش نگیرد.

برخی هنجارها از طریق مذهب، قوه مقننه یا دولت‌ها به وجود می‌آید. بسیاری از

هنجارهای مهم زندگی ما از عادات و سنت‌ها ناشی می‌شوند و در حکم شیوه‌های سنتی و

تکراری انجام امور روزمره قرار می‌گیرند. هنجارها ممکن است رسمی یا غیررسمی باشند

و در مقابل آنها نیز پاسخ‌ها یا ضمانت‌های اجرایی وجود داشته باشد که جنبه مثبت دارند.

هنجارهای اجتماعی به چهار دسته تقسیم می‌شوند (سلیمی، ۱۳۸۰: ۳۰۹).

۱. هنجارهای عادت‌ی یا شیوه‌های قومی: ^۱ مجموعه آداب و رسوم است که در زندگی

روزانه اکثریت جامعه رسوخ کرده و از عقوبت ضعیفی برخوردار است.

۲. هنجار عاطفی یا رسوم اخلاقی یا عرف: ^۲ مجموعه آداب و رسوم است که جامعه

نقض آن را ناپسند می‌داند و عقوبت این نوع از نوع پیشین قوی‌تر است.

1. Folk Ways

2. Mores

۳. هنجار قانونی یا قانون: هرگاه نظام، منسجم و عقوبت در آن دقیقاً مشخص شده باشد که در قبال عملی که انجام می‌شود چه کسی باید جواب بدهد و چه نوع جوابی باید بدهد، هنجار مسلط را هنجار قانونی می‌گوییم.

۴. هنجار احکامی: این هنجار می‌تواند احکام مذهبی یا ملی باشد. از نظر عقوبت مانند نوع سوم است با این تفاوت که جنبه عاطفی آن بسیار شدید است.

۶ اعتلای فرهنگی از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه

آنچه از قرآن و نهج‌البلاغه برمی‌آید این است که عامل اساسی آغاز و پایان منحنی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، خود انسان است. اگر انسان بتواند با رعایت اصول انسانی و رفتارهای شایسته - که قرآن از آن به تقوای الهی یاد می‌کند - به سپاسگزاری از نعمت‌های خدادادی، صلاح و اصلاح میان انسان‌ها، تهذیب، عدالت و حرکت در مسیر کمال قدم بردارد موجبات تعالی و رشد تمدن‌ها و فرهنگ‌ها فراهم می‌شود. این معنی را در آیه «و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الارض و لكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون» (اعراف: ۹۶) می‌توان به‌خوبی دید. ولی اگر انسان جهت ناسپاسی از نعمت‌ها را به‌خود گیرد و از آنها در مواردی که نباید استفاده کند، زمینه ظلم و ستم و بی‌عدالتی را فراهم سازد در واقع در مسیر زوال تمدنی و فرهنگی قدم برداشته و این سنتی الهی است که در نظام آفرینش وضع شده است. قاعده کلی را می‌توان در آیات شریفه ملاحظه کرد، مانند «ذلک بان الله لم یک مغیرا نعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم و ان الله سمیع علیم» یعنی عقابی که خداوند معاقبین را برداشته عذاب را به جایش می‌گذارد و هیچ نعمتی از نعمت‌های الهی به نعمت و عذاب مبدل نمی‌شود مگر بعد از تبدیل محلش، که همان نفوس انسانی است. پس نعمتی که خداوند آن را بر قومی ارزانی داشته، وقتی به آن قوم اضافه

می‌شود که دارای استعداد درونی شدند و وقتی آن را از آنها می‌گیرد که استعداد درونی‌شان را از دست داده و نفوسشان مستعد عقاب شده باشد. این قاعده‌ای کلی است در تبدل نعمت و عقاب. از این جامع‌تر آیه شریفه «ان الله لا یغیروا ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» است (موسوی همدانی، ج ۹: ۱۳۲).

براساس این سنت الهی، دگرگونی زندگی اقوامی که در ناز و نعمت بوده‌اند و سپس به فقر و تنگدستی رو آوردند، تنها با گناهایی که در روزگار عیش و نوش انجام داده‌اند توجیه‌پذیر است. «ایم الله ما کان قوم قط فی غض نعمه من عیش فزال عنهم الات بذنوب اجترحوها، لان الله لیس به ظالم للعبید و لوان الناس حین تنزل بهم النقم و تزول عنهم فرعوا الی ربهم بصدق من نیایهم و وله من قلوبهم لرد علیهم کل شارد و اصلح لهم کل فاسد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۸، فراز ۷).

همچنان که زوال و حفظ نعمت و کیفیت به استفاده از آن برمی‌گردد، تداوم و توسعه آن نیز به حقوقی برمی‌گردد که دارنده نعمت به گردن دارد، چرا که در قاموس الهی در برابر هر نعمتی، حقی است که هرکس آن را پردازد، خداوند آن نعمت را بیافزاید و هر که کوتاهی کند، خود را در خطر زوال قرار داده است. «ان الله تعالی فی کلی نعمه حقا، ضمن اداه زاده منها و من قصر فیه خاطر بزوال نعمته» (نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۲۴۴).

۷ طراحی مدل الگوی ارزیابی امور فرهنگی در سطح خرد

در این بخش الگوی ارزیابی امور فرهنگی در سطح خرد طراحی و مراحل شکل‌گیری از ابتدا تشریح می‌شود.

مدل گلاک و استارک مدلی است که اغلب پژوهشگران و جامعه‌شناسان مذهبی به کار می‌گیرند (سراج‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۳).

براساس مدل گلاک و استارک همه ادیان دنیا با وجود تفاوت‌هایی که در جزئیات دارند، از عرصه‌های مشترکی نیز برخوردارند، که دین‌داری در آنها متجلی می‌شود. این

مدل که در واقع دین داری را پدیده‌ای چندبعدی می‌داند عرصه‌های مشترک ادیان را ابعاد مرکزی دین داری محسوب می‌کند و آنها را چنین برمی‌شمارد (دی‌آن، ۱۳۷۶: ۲۴۵).

۷-۱ بعد مناسکی یا اعمال دینی

شامل اعمال دینی مشخصی همچون عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های دینی خاص، روزه گرفتن در ماه رمضان و اعمال دیگر که برای هر فرد مسلمان بالغ واجب است، که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به‌جا آورد. این امور که در اسلام واجبات نامیده می‌شود برای ساختن بعد مناسکی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۷-۲ بعد اعتقادی یا باورهای دینی

بعد اعتقادی یا باورهای دینی شامل باورهایی می‌شود که انتظار می‌رود پیروان هر دین بدان‌ها اعتقاد داشته باشند (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۰: ۷).

در اسلام این بعد بیشتر منطبق با اصول شریعت و برخی عقاید دیگر چون ظهور مهدی (عج) است.

اصول دین (شریعت) در اسلام عبارت است از: اعتقاد به خدا، نبوت حضرت محمد (ص) به‌عنوان آخرین پیامبر خدا و معجزه‌اش قرآن و نیز باور به‌روز جزا، رعایت بعضی اعمال دینی مثل نمازهای روزانه، روزه‌داری در ماه رمضان، جهاد علیه دشمنان فعال اسلام، انجام حج واجب و ادای خمس و زکات را هم می‌توان بخشی از باورها دانست.

۷-۳ بعد تجربی یا عواطف دینی

ناظر به عواطف، مقررات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهر ربوبی همچون خدا یا واقعیت نهایی یا اقتداری متعالی است (همان).

در اسلام نیز همچون دو دین توحیدی دیگر (مسیحیت و یهودیت) انتظار می‌رود که

معتقدان، عواطف و احساساتی مثل ترس از خدا، توبه و تقرب به خدا، پیامبر، ائمه (ع) و اولیا را تجربه کنند. میزان و عمق این تجارب را می‌توان برای سنجش بعد عاطفی دین‌داری به کار برد.

۴-۷ بعد پیامدی یا آثار دینی

ناظر به آثار باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان دین است (همان). در مورد بعد پیامدی، طبق دین اسلام، استانداردهای رفتاری فراوانی است که یک مسلمان باید در زندگی روزمره جداً آنها را رعایت کند. بعضی از آنها عبارت‌اند از: حجاب یا پوشیدن بخش‌هایی از بدن به‌خصوص برای زنان، پرهیز از مصرف خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های خاصی مثل الکل و گوشت خوک، زیر بار حکومت غیرمسلمان نرفتن و پیروی از قوانین اسلام در زندگی روزمره. نگرش مسلمانان به این فرامین را می‌توان نشانه‌ای از اثر دین‌داری آنها در زندگی روزمره‌شان و یا معرف بعد پیامدی دین‌داری‌شان دانست (افشاری، ۱۳۷۷).

پس به‌طور کلی ابعاد دین‌داری معرفی‌شده گلاک و استارک که از نظر بسیاری اندیشمندان تا حد زیادی واقعیت را دربرمی‌گیرد عبارت‌اند از: باورها و عقاید،^۱ مراسمی،^۲ عبادی،^۳ تجربه دینی،^۴ دانش دینی^۵ و پیامدی^۶ (Glock & Stark, 1966).

پس از بررسی مقیاس‌هایی که به‌صورت چندبعدی به مسئله دین‌داری کرده‌اند، مشخص شد همه یا بخشی از ابعاد تقسیم‌بندی گلاک و استارک به‌عنوان الگو استفاده شده است. همچنین در برخی پژوهش‌های تجربی که در سال‌های اخیر در ایران صورت گرفته برای تعریف عملیاتی دین‌داری از الگوی گلاک و استارک استفاده شده است (سراج‌زاده،

1. Believe
2. Ritual
3. Practice Devotional
4. Experience
5. Knowledge
6. Consequence

۱۳۷۸؛ طالبان، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۰ (الف و ب)، غیاثوند، ۱۳۸۰، نیک‌پی، ۱۳۸۰). جالب اینجاست که علاوه بر محافل آکادمیک و دانشگاهی، علامه محمدتقی جعفری نیز تقسیم‌بندی پنج‌گانه گلاک و استارک را برای مطالعه دین‌داری مناسب می‌داند: ایشان معتقدند «این تقسیم‌بندی درباره جنبه‌های مختلف دین‌گرایی، یکی از عالی‌ترین تقسیم‌بندی‌هایی می‌باشد که در این زمینه صورت گرفته است و لذا توجه به آن برای محققان ضرورت درجه اول دارد بدون این تقسیم‌بندی، جامعه‌شناسی دین قطعاً ناقص خواهد بود» (جعفری، ۱۳۷۷: ۸۱).

اما بخشی از دین‌داری هنوز در این ابعاد پنج‌گانه مغفول مانده و آن رعایت محرّمات دینی است. البته دی‌جانگ و همکاران (۱۹۷۶) ابعاد شش‌گانه‌ای را در سنجش دین‌داری مورد نظر قرار داده‌اند که یک بعد آن، یعنی «پیامدهای اخلاق فردی» به مفهومی که مدنظر است نزدیک می‌باشد.^۱

در تحقیق حاضر، الگوگیری از گلاک و استارک (۱۹۶۶) و دی‌جانگ و فالکلند (۱۹۶۶) و کمک از ابعاد شش‌گانه‌ای که دی‌جانگ و فالکلند و وارلند (۱۹۷۶) و همچنین نظر ادگار شاین در مورد لایه‌های فرهنگ ارزیابی عملکرد براساس فرهنگ دینی بررسی شد.

۸ سطوح و لایه‌های فرهنگ

در طراحی مدل ابتدا برای شناسایی دقیق فرهنگ از مدل ادگار شاین استفاده شد. شاین فرهنگ را دارای سه لایه می‌داند (شاین، ۱۳۸۳: ۳۸) (شکل ۱).

۸-۱ لایه اول: نماد و مصنوعات

در سطح بیرونی، نمادها، مصنوعات یا دست‌ساخته‌ها قرار دارد که همه پدیده‌هایی را شامل می‌شود که دیده، شنیده و احساس می‌گردد. هنگامی که فرد به گروه جدیدی وارد

۱. برگرفته از: بررسی وضعیت دین‌داری کاربران ایرانی اینترنت:

می‌شود که فرهنگی ناآشنا دارد. این مصنوعات قابل رؤیت می‌گردد مانند: معماری (ساختمان)، محیط فیزیکی، زبان، تکنولوژی، خلاقیت‌های هنری، سبک زندگی آنها آن‌طور که در پوشش و لباس آنها شکل می‌گیرد، شیوه‌های معرفی و آدرس‌دهی، نمایش‌های احساسی و عاطفی، افسانه‌ها و داستان‌های گفته‌شده و ... در عرف دینی به این لایه طریقت گفته می‌شود (واسع، ۱۳۷۸: ۴۷).

شناسایی این سطح با مشاهده امکان‌پذیر است. اگر مشاهده‌گر در گروه به مدت کافی زندگی کند، معانی مصنوعات به تدریج برایش آشکار می‌شود. از این رو اگر کسی بخواهد سریع‌تر به این سطح از درک دست یابد، می‌تواند تلاش کند ارزش‌های حمایت‌شده، هنجارها و مقرراتی که اصول عملی روزمره را فراهم می‌کند و اعضای گروه رفتارشان را از این طریق هدایت می‌کنند، تجزیه و تحلیل نماید. این نوع پژوهش و بررسی ما را به سطح بعدی تحلیل فرهنگی هدایت می‌کند.

۲-۸ لایه دوم: ارزش‌ها

گروه یادگیری نهایتاً ارزش‌های اصولی خود را منعکس می‌کند؛ یعنی درک هر فرد از اینکه چه چیزی باید باشد جدا از آنکه چه هست. هنگامی که گروهی اولین بار شکل می‌گیرد یا زمانی که با یک وظیفه، موضوع یا مشکل جدید روبه‌رو می‌شود، اولین راه‌حل پیشنهادشده برای برخورد با آن، برخی مفروضات فرد را درباره اینکه چه چیزی درست یا غلط است و یا چه کاری می‌شود یا نمی‌شود، منعکس می‌کند. افرادی در این مسئله پیروز می‌شوند که بتوانند بر گروه تأثیر گذارند تا راه‌حل معینی را برای حل مشکل بیابند؛ این افراد بعدها به منزله رهبران یا بنیان‌گذاران شناخته می‌شوند. اما این گروه هنوز به‌عنوان یک گروه، به دانش مشترکی دست نیافته‌اند؛ زیرا تاکنون اقدام مشترک معمولی را در پاسخ به مشکل جدید انجام نداده‌اند. بنابراین، هر قدر پیشنهاد مطرح شود تنها می‌تواند جایگاه یک ارزش را از نظر گروه داشته باشد، بدون در نظر گرفتن اینکه پیشنهاددهنده با چه شدتی

ممکن است معتقد باشد که او در حال بیان حقیقت ثابت شده مطلق است. تا زمانی که گروه اقدامات مشترکی را اتخاذ کند و اعضای آن با هم حاصل و نتیجه آن اقدام را مشاهده کنند، مبنای مشترکی برای تعیین اینکه چه چیزی حقیقی و واقعی است وجود ندارد. در عرف دینی به این لایه شریعت گفته می‌شود. شناسایی این سطح با مصاحبه و پرسش‌نامه امکان‌پذیر است.

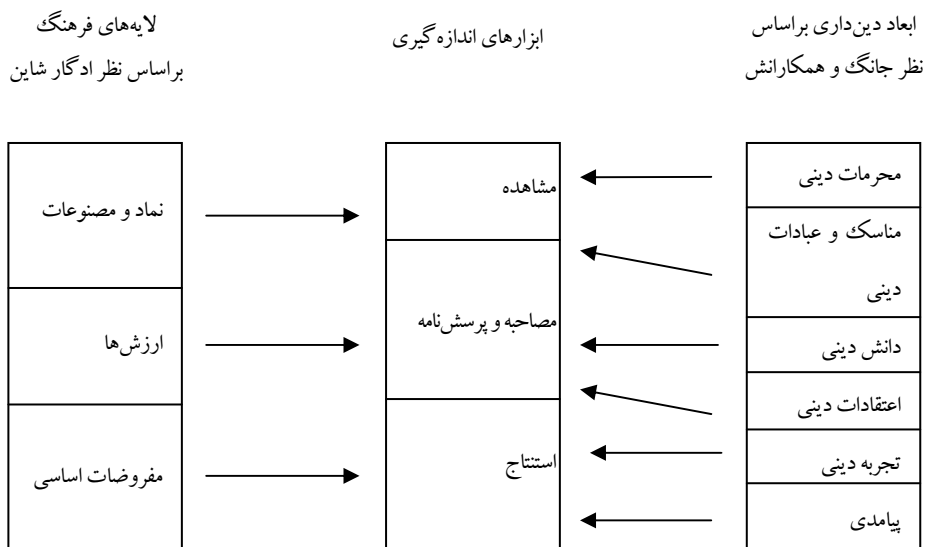
۳-۸ لایه سوم: مفروضات اساسی

زمانی که راه‌حلی برای مشکلی به‌طور مکرر کاربرد داشته باشد، مورد توجه و پذیرش قرار می‌گیرد. آنچه زمانی پیش‌فرض بود و تنها از طریق یک ایده یا ارزش حمایت می‌شد، به تدریج به منزله واقعیتی عمل و رفتار می‌شود. ما معتقدیم که طبیعتاً بدین‌روش عمل می‌کند. در این معنا، مفروضات اساسی با آنچه که برخی مردم‌شناسان آن را جهت‌گیری‌های ارزشی غالب می‌نامند، متفاوت‌اند که در آن چنین محورهای غالبی راه‌حل مرجعی را از بین چندین گزینه اصلی منعکس می‌کند، اما همه گزینه‌های مختلف با وجود این، در فرهنگ قابل رؤیت هستند و هر عضو معین فرهنگ، در زمان‌های مختلف می‌تواند بر اساس گونه‌های دیگر، مثال جهت‌گیری‌های غالب، رفتار نماید (Kluckhohn and Strodeck, 1961: 321).

به مفروضات اساسی آن‌قدر توجه و پذیرش شده است که فرد اختلاف کمی درون واحد فرهنگی پیدا می‌کند. درحقیقت، اگر مفروض اساسی در هر گروه به‌شدت حفظ شود، اعضا رفتارشان را بر اساس هر فرضیه دیگر قابل باور و درک نمی‌یابند. مفروضات اساسی مثل نظریه‌ها در عمل نه با آنها مقابله، و نه بحث می‌کنیم و از این رو تغییرشان بی‌اندازه مشکل است. در عرف دینی به این لایه حقیقت گفته می‌شود. شناسایی این سطح با استنتاج امکان‌پذیر است. با توجه به نکات بالا:

- شناسایی سطح نمادها و مصنوعات با مشاهده امکان‌پذیر است؛

- شناسایی سطح ارزش‌ها با مصاحبه و پرسش‌نامه امکان‌پذیر است؛
 - شناسایی سطح مفروضات با استنتاج امکان‌پذیر است.
 مفروضات فرهنگ مطلوب در جامعه اسلامی تنها براساس رفتار تأثیرگذاران، بنیان‌گذاران، طبیعت و حوادث و ... شکل نمی‌گیرد بلکه از دین نیز نشئت می‌گیرد. لذا در این الگو مفروضات براساس دین و رفتار تأثیرگذاران، بنیان‌گذاران و حوادث و ... شکل گرفته است.



شکل ۱ الگوی ارزیابی عملکرد براساس فرهنگ دینی

گرچه در جوامع اسلامی فرهنگ عمومی رابطه تنگاتنگی با فرهنگ دینی دارد اما مواردی در فرهنگ یک جامعه وجود دارد که خارج از حوزه فرهنگ دینی است اما به دلیل کارکرد مثبت آن باید مورد توجه دولت‌ها قرار گیرد مانند:
 - وجود آداب و رسوم اقوام مختلف جامعه موجود در نقاط مختلف جغرافیایی کشور.

- وجود آداب و رسوم در تاریخ گذشته جامعه که از نسل‌های متمادی به جامعه امروز منتقل شده است.

- وجود آثار باستانی و مکتوبات فرهنگی که نشان‌دهنده خصوصیات فرهنگی اقوام گذشته است و به‌عنوان میراث گران‌بهایی بهره‌برداری و مطالعه می‌شود.

- در کنار این موارد مثبت و سازنده، در فرهنگ عمومی هر جامعه، یک سلسله اعتقادات، باورها، احساسات و رفتارهای غلط وجود دارد که بسته به گستردگی و نوع آنها منشأ مشکلاتی در جامعه می‌شود، که باید با برنامه‌ریزی برای رفع آنها اقدام کرد.

- در جریان مبادله فرهنگی هر جامعه یا جوامع دیگر، این احتمال وجود دارد که به‌دلیل ضعف فرهنگی جامعه، یک سلسله اعتقادات، گرایش‌ها و رفتارهای غلط در جامعه رشد پیدا کند، که باید با برنامه‌ریزی برای رفع آنها اقدام کرد.

نتیجه‌گیری

کیفیت فعالیت‌های فرهنگی از سه بعد تکنیک، محتوا و نتیجه قابل ارزیابی است. بدین معنا که هر فعالیت فرهنگی از یک طرف باید بر ضوابط و قوانین خاص آن فعالیت استوار باشد و از طرف دیگر باید در راستای ارزش‌های پذیرفته‌شده و اهداف فرهنگی جامعه باشند که هم فعالیت‌ها را با توجه به جایگاه‌های متفاوت آن آثار و نتایج آن بر مخاطب در دو بُعد کمی و کیفی هم‌زمان بررسی شود.

در حکومت اسلامی فرهنگ مقوله‌ای بنیادی و زیربنایی است. لذا نمی‌توان تئوری‌ها و نظریه‌هایی را که در مورد فرهنگ در جوامع غربی بیان می‌شود مبنای عمل در حکومت اسلامی قرار داد، بلکه مفروضات حکومت دینی مبتنی بر کتاب، سنت و سیره است و قوه عقل و دایره اجماع ابزارهایی برای دستیابی به فهم درستی از مفاهیم کتاب، سنت و سیره ائمه (ع) است، لذا فلسفه وجودی، رسالت، راهبردها و برنامه‌ریزی‌های سازمان‌ها و نهادهای حکومت اسلامی باید بر پایه این مفروضات باشد. به همین دلیل و نظر به اینکه

فرهنگ دینی مبتنی بر سنت سیره نبوی (ص) و ائمه اطهار (ع) در طول تاریخ و هم‌اکنون عامل هویت بخشی جامعه ایرانی - اسلامی بوده است، به‌طور دائمی این فرهنگ رصد شود و با شناخت روندهای موجود، کاستی‌ها و فرایندهای شکل‌گیری و نمودهای عملی رفتاری، زمینه توسعه فرهنگ دینی فراهم گردد.

براساس تعالیم اسلامی اولین و مبنایی‌ترین شرط دین‌داری اقرار به وحدانیت خداوند است. بسیاری از متفکران مسلمان رکن اساسی دین‌داری یا حداقل تدین اسلامی را اعتقاد به خداوند دانسته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۷۶: ۷۷) چون این اعتقاد دینی با مجموعه گسترده‌ای از اعتقادات دیگر وابسته است و صرف اعتقاد به این گزاره، فرد را ناگزیر به تصدیق یا تکذیب مجموعه‌ای از گزاره‌ها وامی‌دارد و به‌این ترتیب نظامی از اعتقادات دینی را تصدیق می‌کند.

ارزیابی عملکرد براساس فرهنگ دینی به سازمان این امکان را می‌دهد که به شیوه‌ای خلاق و نوآور عمل کند و در مواجهه با همه‌های فرهنگی آینده به‌صورت انفعالی عمل نکند. این شیوه باعث می‌شود که سازمان دارای ابتکار عمل باشد و فعالیت‌هایش به گونه‌ای درآید که اعمال نفوذ نماید (نه اینکه تنها در برابر کنش‌ها، واکنش نشان دهد) و بدین گونه سرنوشت خود را رقم بزند و آینده را تحت کنترل درآورد.

منابع و مآخذ

- آزاد ارمکی، تقی. *دین‌داری ایرانی*، روزنامه اعتماد، ش ۱۷۴۱.
- ابلسکی، نیک (۱۳۷۶). *مهندسی مجدد و مدیریت دگرگون‌سازی سازمان‌ها*، ترجمه منصور شریفی کلویی، تهران، آروین، چاپ دوم.
- ادواردز و همکاران (۱۳۷۹). «تحقیق پیمایشی: راهنمای عمل»، ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- افشاری، رضا (۱۳۸۰). «سنجش میزان دین‌داری دانش‌آموزان دوره متوسطه»، آموزش و پرورش استان همدان.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳). *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
- بادامچی حبیب‌الله (۱۳۸۵). *درآمدی بر مهندسی فرهنگی*.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۹). *نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم*، مؤسسه فرهنگی آینده پویان، تهران.
- پیروزمند، علیرضا (۱۳۷۷). *گردهمایی راهبردها و رویکردهای سامان‌دهی فرهنگی*.
- حشمتی محمدرضا (۱۳۸۵). «مهندسی دین در نظام جمهوری اسلامی ایران»، همایش ملی مهندسی فرهنگی.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۷۸). «روش تحقیق با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی»، مرکز تحقیقات علمی کشور.
- دثوبالد بی، ون دلن (۱۳۷۳). *مبانی پژوهش در علوم تربیتی (زمینه‌های وابسته)*، مترجم جعفر نجفی زند، تهران، قومس، چاپ اول.
- دواس، دی آن (۱۳۷۶). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، نی.
- رهنمائی، سیداحمد، «آسیب‌شناسی فرهنگی»، نشریه معرفت، شماره ۳۲.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۷۸). «دین‌داری نسل‌های قدیم و جدید، تحلیلی بر نگرش‌های دینی جوانان و نوجوانان»، نشریه فرهنگ و پژوهش، ش ۱۵۸.
- _____ (۱۳۷۷). *طرح تحقیقی سنجش دین‌داری جوانان*.
- سرمد، زهرا، عباس بازرگان و الهه حجازی (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، انتشارات آگاه.

- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران، ققنوس.
- عالمی محمدعیسی (۱۳۸۵). «مؤلفه‌های فرهنگ (سنتی، مدرنیته و دینی)»، همایش ملی مهندسی فرهنگی.
- کی‌نژاد، محمدعلی (۱۳۸۷). «رصد فرهنگی مقدمه مهندسی فرهنگی»، دوهفته‌نامه مهندسی فرهنگی، سایت شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۰). روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، فرهنگ معاصر.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، مرکز.
- مصباح یزدی، محمدتقی (زمستان ۷۶ و بهار ۷۷)، «موفقیت دینی»، کتاب نقد، ش ۶.
- مظاهری، محمد مهدی (۱۳۸۷). فرهنگ بالنده باورها و اندیشه‌ها، خانه احزاب ایران.
- موظف رستمی (۱۳۸۷). «ابرسازمان فرهنگ دینی و جایگاه سازمان تبلیغات اسلامی»، سایت معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی.
- میرزایی اهرنجانی، حسن (۱۳۷۱)، «پژوهش‌های کاربردی (۱)»، دانش مدیریت، شماره ۱۷.
- ویلم، ژان پال (۱۳۷۷). یادداشت‌هایی بر کتاب جامعه‌شناسی ادیان. ترجمه محمدتقی جعفری.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۷۳). شناخت روش علمی در علوم رفتاری، پارسا.
- یاس (۱۳۸۱). «فرهنگ دینی و چالش‌های پیش رو»، گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سیداحمد خاتمی، پیش شماره ۱۳.
- Geertz, Clifford (1966). "Religion as a Cultural System", in M. Banton, ed. Anthropological Approaches to the Study of Religion. New York: Praeger.
- Kroeber, Alfred L. and Klukhon, Clyde (1952). Culture: a Critical Review of Concepts and Definations, Cambridge University Press.
- Rang Nathan, C., Dhaliwal, J., S., (2001). A Survey of Business Process Reengineering Practice in Singapore, Information & Management 39.